# مارها و نجات دهنده

# THE SERPENTS AND THE SAVIOUR

(Farsi)

دکتر ر. ل. هایمرز

by Dr. R. L. Hymers, Jr.

موعظه کلیسای باپتیست لوس آنجلس

صبح روز یکشنبه ٨ مارس ٢٠١٥

A sermon preached at the Baptist Tabernacle of Los Angeles

Lord’s Day Morning, March 8, 2015

"و خداوند به موسی گفت، مار آتشینی بساز و آن را بر نیزه ای بردار، و هر گزیده شده ای که بر آن نظر کند خواهد زیست. پس موسی مار برنجینی ساخته بر سر نیزه ای بلند کرد و چنین شد که اگر مار کسی را گزیده بود به مجرد نگاه کردن بر آن مار برنجین زنده می شد" (اعداد ٩-٢١:٨).

قوم اسرائیل در طی سفرشان در بیابان دچار ناامیدی شدند. قوم علیه خداوند و رهبرشان موسی زبان به گلایه گشودند. آنها می گفتند "که ما را از مصر چرا برآوردید تا در بیابان بمیریم؟ زیرا که نان نیست و آب هم نیست! و دل ما از این خوراک سخیف کراهت دارد." خدا از آسمان منً (منًا) فرستاد تا به آنها غذا دهد، اما از آن نفرت داشتند. اسراییلیان آنرا "این خوراک سخیف" نامیدند، یعنی این نان بی ارزش. مزامیر منًا را "خوراک فرشتگان" نامیده است، ولی قوم اسراییل برعلیه خداوند و موسی گله و شکایت کردند. آنها گفتند، "جان ما از این منًا بیزار است" – از آن متنفریم.

این داستان شرحی است بر طبیعت آدمی. کجروی و گناه دل آدمی را نشان می دهد،

"زانرو که تفکر جسم، دشمنی خدا است" (رومیان ۸:۷).

کتاب مقدس می گوید،

"همه اسیر گناه هستند؛ چنانکه کتاب مقدس می فرماید: حتی یک نفر نیست که کاملاً نیک باشد" (رومیان ۱۰-۳:۹).

دل انسان بر ضد خداوند قرار گرفته. به این دلیل است که ما در حال شکوه و شکایت علیه خداوند هستیم. شخصی که در گناه است، بهتر از آن اسراییلیانی که در بیابان بودند نیست و یا فرقی با آنان ندارد.

"آنگاه خداوند مارهای سمی را در میان ایشان فرستاد و بسیاری از قوم گزیده شدند و مردند" (اعداد ۲۱:۶).

کتاب مقدس می گوید، "مزد گناه موت است" (رومیان ۶:۲۳). کلام خدا می گوید، "کسی که گناه ورزد، خواهد مرد" (حزقیال ۲۰ ،۱۸:۴).

ولی کسانی که طرد شده بودند نزد موسی آمدند و به او گفتند، "ما گناه کرده ایم... پس به حضور خداوند دعا کن که ما را از شر این مارها نجات بدهد. پس موسی برای آنها دعا کرد" (اعداد ۲۱:۷).

نباید فراموش کنیم که خداوند چه رحمت عظیمی به آنها نشان داده بود. خداوند آنها را از بردگی مصر آزاد ساخته بود. آنها را از آبهای دریای سرخ عبور داده بود – روی زمین خشک و ازمیان دیواری از آبها بر هر طرفشان عبور کرده بودند. آنها برای این رهایی عظیم در سرتاسر عهد عتیق سرود خوانده اند. و خداوند هر روز به آنها منا برای خوراکشان داد. از یک صخره آب بیرون می آمد که برای تمام قوم و احشامشان کافی بود. خداوند آنها را از دست دشمنان قدرتمندشان نجات داده بود. خداوند آنها را با ستونی از آتش در شب و ستونی از ابر در روز هدایت کرده بود. شکینای جلال خداوند دایماً با آنها بود.

ولی خداوند را ستایش نکردند. بجای آن در بی ایمانی خود باقی ماندند. آنها سرکشی کردند. برعلیه موسی و خداوند گله و شکایت کردند. دکتر جان رایس می گوید،

ناگهان در میان قوم، مارهای سمی که در میان علفها می خزیدند و به داخل چادرها رخنه می کردند، یعنی چیزهای شریری که به رنگ آتشین بودند دیده شدند "و بسیاری از قوم مردند." در اینجا مجازات خداوند و رحمت او را همزمان در یک رویداد می توان دید. اینجا هم خشم است و هم فیض. هم گناه وجود دارد و هم نجات دهنده در بیابان تجلی پیدا می کند (John R. Rice, D.D., “Snakes in the Camp, ***Blood and Tears on the Stairway,*** Sword of the Lord Publishers, 1970,, pp. 34, 35).

اگر عیسی همین واقعه را در باب سوم انجیل یوحنا از عهد جدید تکرار نمی کرد، راجع به این رویداد زیاد فکر نمی کردیم.

شخصی به نام نیقودیموس شب هنگام به نزد عیسی آمد. وی از معلمین سرشناس اسراییل بود. او فریسی و عضو سنهدرین یا شورای یهود بود. اعتقاد او نسبت به عیسی چنین بود "تو معلمی هستی که از طرف خدا آمده ای زیرا هیچکس نمی تواند معجزاتی را که تو می کنی انجام دهد مگر آنکه خدا با او باشد" (یوحنا ۳:۲).

ولی نیقودیموس نمی دانست چطور از نو متولد شود. عیسی به او گفت، "باید از نو تولد یابی" (یوحنا ۳:۷). نیقودیموس در جواب می گوید، "این چطور ممکن است؟" (یوحنا ۳:۹). او اصلاً نمی دانست که چطور باید دوباره متولد شد و نجات پیدا کرد. عیسی ماری را که در بیابان بود به او یادآوری کرد، تا نشان بدهد که تولد تازه چطور اتفاق می افتد.

الهیدانان تولد تازه را "نوزایی" می خوانند. کتاب مقدس مطالعاتی اصلاحاتی (***The Reformation Study Bible***) می گوید،

عیسی از نیقودیموس که نمی دانست چگونه باید از نو متولد شود، در تعجب بود. نیقودیموس می بایست از عهد عتیق می دانست که او یک گناهکار بود و نیازمند یک حیات تازه... نوزایی [تولد تازه] عطیه فیض خداوند است. این کار عمل بلاواسطه و ماوراء طبیعه روح القدس در ما است. تاثیر آن حیات بخشیدن به ما [زنده کردن ما] از مرگ روحانی به حیات روحانی است... (***The Reformation Study Bible,*** Ligonier Ministries, 2005, p. 1514; note on John 3).

حالا یوحنا ۱۵-۳:۱۴ را باز کنید که در صفحه ۱۱۱۷ از کتاب مقدس اسکافیلد است. در اینجا عیسی نحوه تولد تازه را به نیقودیموس شرح می دهد. نیقودیموس اسفار پنجگانه را از حفظ می دانست، یعنی پنج سفر اول کتاب مقدس. سفر اعداد، کتاب چهارم از کتب مقدس است. نیقودیموس آنقدر خوب این کتاب را می شناخت که تقریباً همه آنرا از بر بود. در نتیجه عیسی از داستان مارهای آتشین استفاده کرد تا توضیح دهد که چگونه باید نجات یابد و از نو متولد شود. لطفاً بایستید و یوحنا ۳:۱۴ و ۱۵ را باز کنید. صفحه ۱۱۱۷ از کتاب مقدس اسکافیلد است که عیسی به نیقودیموس می گوید،

"همانطوریکه موسی در بیابان مار برنجی را بر بالای تیری قرار داد، پسر انسان هم باید بالا برده شود: تا هر کس به او ایمان بیاورد هلاک نگردد، بلکه صاحب حیات جاودان گردد" (یوحنا ۱۵-۳:۱۴).

لطفاً بنشینید. نگاه کردن و زنده ماندن، ایمان آوردن به عیسی و نجات پیدا کردن، در واقع هسته اصلی انجیل مسیح را تشکیل می دهند. به سه نکته در این متن توجه کنید.

**.I** اول، نیش و مرگ گناه.

اگر کسی به داخل چادرش می رفت، مارها در آنجا بودند. اگر برای غذا خوردن می نشست، مارها آنجا بودند. وقتی روتختی اش را برمی داشت، مارها آنجا بودند و آماده برای گزیدن او. و وقتی که مارها کسی را می گزیدند، همچون آتش می سوخت و اثر آن سوزناک بود. بدن مارگزیده تب می کرد و بعد تشنج به او دست می داد و نهایتاً می مرد! هر کس را که مار می گزید با مرگ هولناکی جان می داد.

حالا به دکتر و. آ. کریسول گوش دهید که شبان اولین کلیسای باپتیست دالاس تگزاس بود. دکتر کریسول درباره آن مارها می گوید،

این نمونه ای [یا تصویری] است از انحراف کامل قلب انسان، یعنی حضور مطلق گناه در زندگی انسان که خداوندمان از آن استفاده می کند. این انحراف و کجروی در قلبهای ما، خانه های ما، منازل ما، در برخاستن و نشستن های ما وجود دارد... حضور کلی گناه و مرگ گریزناپذیر است. انسانیت یک نژاد سقوط کرده و کجرو است؛ و الحال ما فلسفه پردازی می کنیم که ناگوارترین حقیقت در حیات انسان و تاریخ بشر عبارت است از اینکه: انسانها در گناه و معصیت گمراه شده اند. ما در گناهانمان مرده ایم... این مارها نوعی نیروی تخریبگر گناه هستند... آه، چه نیروی ویرانگر و مخربی است این گناه!

این مارهای سمی آتشین همه جا بودند. و مردم با مرگ جسمانی، مرگ روحانی، مرگ اخلاقی، مرگ ثانوی و مرگ جاودانی می مردند...

بشریت خودش را از جهالت، خرافات و هزاران تاریکی دیگر بالا کشیده است؛ ولی درون قلبهایمان هنوز همان هستیم که بودیم... در سطح روحانی و اخلاقی هنوز با آدم و حوا یکسان هستیم. از مصیبت کامل، هرزگی، ویرانی و داوری گناه هیچوقت راه برون رفتی پیدا نکرده ایم (W. A. Criswell, Ph.D., “The Brazen Serpent,” ***What a Savior!***, Broadman Press, 1978, pp. 49-51).

پولس رسول گناه اسراییل را با گناه ما بعنوان یک اخطار مقایسه کرد،

"خداوند را امتحان نکنیم بطوریکه بعضی از ایشان امتحان کردند و بوسیله مارها هلاک گردیدند. علیه خداوند شکایت نکنیم چنان که بعضی از آنها کردند و به دست فرشته مرگ نابود شدند. همه این اتفاقات به عنوان نمونه ای بر سر آنان آمد و برای تربیت ما بعنوان عبرت نوشته شد زیرا ما در زمان های آخر زندگی می کنیم" (اول قرنتیان ۱۱-۱۰:۹).

گناه سبب شد که آنها مورد داوری قرار گیرند – و گناه امروز هم حکم و داوری به ارمغان می آورد. "همه این اتفاقات به عنوان [نمونه ای] بر سر آنان آمد و برای تربیت ما بعنوان عبرت نوشته شد [برای تعلیم ما]،" اول قرنتیان ۱۰:۱۱ – و اینجا به نکته دوم می رسیم.

**.II** دوم، شفای گناه و مرگ.

موسی فریاد قوم را شنید. مارها آنها را گزیده بودند. فریاد می زدند و می مردند. مارها همه جا بودند.

"خداوند به موسی فرمود: یک مار برنجی بساز و بر تیری بیاویز. اگر هر مار گزیده ای به آن نگاه کند، زنده می ماند. پس موسی یک مار برنجی ساخت و آن را بر سر تیری آویخت و همین که مار گزیده ای، به آن نگاه می کرد، شفا می یافت" (اعداد ۹-۲۱:۸).

وقتی به بیمارستان می روید، معمولاً یک علامتی آنجا وجود دارد. یک ستونی می بینید که دو مار به دور آن پیچیده اند. شاید آنرا در مطب دکتر یا روی نوشت افزارش ببینید. این علامت کسی است که در حرفه شفا و درمان کار می کند. چه عجیب است که علامت سلامتی، شفا و نجات باید ماری باشد که از ستونی آویزان است! آن علامت یک مار واقعی نیست. بلکه ماری است برنزی که بر ستونی بلند کرده شده.

و یادداشت های انجیل اسکافیلد در این مورد صادق است که می گوید، "مار برنزی یک نمونه ای از مسیح است، او 'برای ما گناه شد' تا حکم ما را بر خود گیرد" (یادداشت بر سفر اعداد ۲۱:۹). تمام گناهان ما روی صلیب بر مسیح گذاشته شدند،

"مسیح شخصاً بار گناهان ما را بر دوش گرفته و آنها را بر صلیب برد... زیرا به سبب زخم های اوست که شما شفا یافته اید" (اول پطرس ۲:۲۴).

خود عیسی به نیقودیموس می گوید،

"همانطوریکه موسی در بیابان مار برنجی را بر بالای تیری قرار داد، پسر انسان هم باید بالا برده شود..." (یوحنا ۳:۱۴).

"پسر انسان" نام محبوب خود عیسی بود. او گفت، "همانطور که موسی مار برنجی را بر بالای تیری قرار داد، پسر انسان هم باید بالا (بر روی صلیب) برده شود." چه تصویری از نجات دهنده!

با تحمل وقاحت شرم آور و تمسخرآمیز،

بجای من او محکوم شده ایستاد؛

با خونش بخشش مرا مهر نمود؛

هللویاه! چه نجات دهنده ای!

بلند کرده شده باید او جان می داد،

"تمام شد،" را ندا در داد؛

اکنون در فردوس رفعت یافته؛

هللویاه! چه نجات دهنده ای!

(“Hallelujah, What a Saviour!” by Philip P. Bliss, 1838-1876).

"همانطوریکه موسی در بیابان مار برنجی را بر بالای تیری قرار داد، پسر انسان هم باید بالا برده شود..." (یوحنا ۳:۱۴).

در اینجا به نکته سوم می رسیم.

**.III** سوم، راه شفا یافتن از گناه و مرگ.

"همانطوریکه موسی در بیابان مار برنجی را بر بالای تیری قرار داد، پسر انسان هم باید بالا برده شود: تا هر کس به او ایمان بیاورد هلاک نگردد، بلکه صاحب حیات جاودان گردد" (یوحنا ۱۵-۳:۱۴).

برای ایمان آوردن به عیسی باید به او نگاه کرد. نگاه کردن یعنی زنده ماندن، ایمان آوردن و نجات پیدا کردن، شسته شدن و پاک شدن! چیز پیچیده ای در آن وجود ندارد! با ایمان به عیسی نگاه کنید. هر عضو کلیسایمان این کار را انجام داده است. این کار چندان سختی نبوده در غیر اینصورت همسر من نمی توانست با اولین بار شنیدن به موعظه من درباره انجیل ایمان بیاورد!

"پس موسی یک مار برنجی ساخت و آن را بر سر تیری آویخت و همین که مار گزیده ای به آن نگاه می کرد، شفا می یافت" (اعداد ۲۱:۹).

هر وقت کسی به آن مار برنجی نگاه می کرد، زنده می ماند! کسی که قبلاً گزیده شده بود می توانست نگاه کند! کسی که تقریباً مرده بود می توانست نگاه کند! آنها با یک نگاه به مار برنجی نجات پیدا می کردند! و ما با نگاه به عیسی نجات پیدا می کنیم!

"و به عیسی که ایمان ما را به وجود آورده و آن را کامل می گرداند چشم بدوزیم، چون او به خاطر شادی که در انتظارش بود متحمل صلیب شد و به رسوایی مردن بر روی صلیب اهمیت نداد و بر دست راست تخت الهی نشسته است"

(عبرانیان ۱۲:۲).

نمی تواند کار سختی باشد! میلیونها نفر به عیسی نگاه کرده اند! نگاه کردن به عیسی! نگاه کردن به عیسی! نگاه کردن به عیسی! این است طریق از نو متولد شدن! نگاه کردن به عیسی! این است راه از نو زاده شدن! نگاه کردن به عیسی! این است راه بخشوده شدن و پاک شدن از تمام گناهان! نگاه کردن به عیسی! این است راه نجات یافتن – در تمام زمانها و تا به ابد!

نگاه می کنم به عیسی تا جلال بدرخشد؛

لحظه به لحظه، ای خداوند، من از آن تو هستم!

(“Moment by Moment” by Daniel W. Whittle, 1840-1901)

اگر تو از گناه مشتاقی که آزاد شوی،

به بره خداوند نگاه کن؛

او برای آزادی تو بر جلجتا مرد،

به بره خداوند نگاه کن.

به بره خداوند نگاه کن، به بره خداوند نگاه کن

چون تنها او قادر است تو را نجات دهد،

به بره خداوند نگاه کن.

(“Look to the Lamb of God” by Henry G. Jackson, 1838-1914).

بنگر و زنده بمان، ای برادر، زنده بمان!

به عیسی نگاه کن و زنده بمان،

این در کلام او ثبت شده، هللویاه!

فقط نگاه کن و زنده بمان!

(“Look and Live” by William A. Ogden, 1841-1897).

"پس موسی یک مار برنجی ساخت و آن را بر سر تیری آویخت و همین که مار گزیده ای به آن نگاه می کرد، شفا می یافت" (اعداد ۲۱:۹).

بنگر و زنده بمان، ای برادر، زنده بمان!

به عیسی نگاه کن و زنده بمان،

این در کلام او ثبت شده، هللویاه!

فقط نگاه کن و زنده بمان!

وقتی اسپارژن پانزده ساله بود روزی در یک توفان برف گیر افتاد و خود را به یک کلیسای اولیه متدیست رساند. شبان کلیسا آنجا نبود. او "در برف گیر افتاده" بود. حدود تنها پانزده نفر آنجا بودند. یک نفر غیرروحانی کوچک اندامی ایستاد که موعظه کند. با زبان متزلزلی این متن از کتاب مقدس را خواند،

"ای تمام مردم جهان، به سوی من باز گردید و نجات یابید"

(اشعیاء ۴۵:۲۲).

او مستقیماً به اسپارژن جوان اشاره کرد و گفت، "ای مرد جوان، خیلی بیچاره بنظر می رسی. اگر از این متنی که خواندم اطاعت نکنی همیشه بیچاره باقی می مانی. به عیسی نگاه کن! نگاه کن! نگاه کن." اسپارژن در پاسخ گفت، "نگاه کردم، و وقتی با ایمان به او نگاه کردم عیسی مرا نجات داد."

بنگر و زنده بمان، ای برادر، زنده بمان!

به عیسی نگاه کن حالا و زنده بمان،

این در کلام او ثبت شده، هللویاه!

فقط نگاه کن و زنده بمان!

برای من مهم نیست که پل واشر چه می گوید! "فقط نگاه کن و زنده بمان!" مهم نیست که دکتر مک آرتور چه می گوید! "فقط نگاه کن و زنده بمان!" اینها مردان خوبی هستند، ولی "فقط نگاه کن و زنده بمان!"

دزدی که بر صلیب کنار عیسی بود وقت نداشت که او را خداوند تمام بخش های زندگی اش کند! او داشت جان خود را تسلیم می کرد! وقت نداشت که مسیح را خداوند تمام قسمت های زندگی اش کند! او داشت جان می باخت. وقتی باقی نبود! وقتی باقی نبود! وقتی باقی نبود! فقط وقت داشت که یک کار انجام دهد. با ایمان به عیسی نگاه کرد! "فقط نگاه کن و زنده بمان!" این تنها کاری بود که اسپارژن انجام داد! این تنها کاری است که شما باید انجام دهید!

هللویاه! آن دزد روی صلیب نجات پیدا کرد! عیسی گفت، "امروز با من در فردوس خواهی بود" (لوقا ۴۳:۲۳).

بنگر و زنده بمان، ای برادر، زنده بمان!

به عیسی نگاه کن حالا و زنده بمان،

این در کلام او ثبت شده، هللویاه!

فقط نگاه کن و زنده بمان!

(پایان موعظه)

شما می توانید موعظه های دکتر هایمرز را هر هفته در اینترنت با آدرس

[www.realconversion.com](http://www.realconversion.com) بخوانید و

روی "موعظه ها به فارسی" کلیک کنید.

You may email Dr. Hymers in English at rlhymersjr@sbcglobal.net – or you may  
write to him at P.O. Box 15308, Los Angeles, CA 90015. Or phone him at (818)352-0452.

آیات خوانده شده پیش از موعظه توسط آقای آبل پرودام: اعداد ۹-۲۱:۵.

سرود تک نفره پیش از موعظه توسط آقای بنجامین کین کید گریفین:

“Look and Live” (by William A. Ogden, 1841-1897).

طرح کلی

# مارها و نجات دهنده

# THE SERPENTS AND THE SAVIOUR

دکتر ر. ل. هایمرز

by Dr. R. L. Hymers, Jr.

"و خداوند به موسی گفت، مار آتشینی بساز و آن را بر نیزه ای بردار، و هر گزیده شده ای که بر آن نظر کند خواهد زیست. پس موسی مار برنجینی ساخته بر سر نیزه ای بلند کرد و چنین شد که اگر مار کسی را گزیده بود به مجرد نگاه کردن بر آن مار برنجین زنده می شد" (اعداد ٩-٢١:٨).

(مزامیر ۷۸:۲۵؛ رومیان ۸:۷؛ ۱۰-۳:۹؛ اعداد ۲۱:۶؛

رومیان ۶:۲۳؛ حزقیال ۲۰ ،۱۸:۴؛ اعداد ۲۱:۷؛

یوحنا ۹ ،۷ ،۳:۲؛ ۱۵-۹:۱۴)

1. اول، نیش و مرگ گناه، اول قرنتیان ۱۱-۱۰:۹.
2. دوم، شفای گناه و مرگ، اول پطرس ۲:۲۴؛ یوحنا ۳:۱۴.
3. سوم، راه شفا یافتن از مرگ و گناه،

یوحنا ۱۵-۳:۱۴؛ عبرانیان ۱۲:۲؛ اشعیاء ۴۵:۲۲؛ لوقا ۲۳:۴۳.